

## ادریس شاه بزرگمردی

از

### «شرق جادویی»

اخيراً یکی از موسسات نشراتی امریکا از خانم پروین پژواک تقاضای ترجمه چند کتاب اطفال را نمود و تعدادی از کتاب های را که باید ترجمه میشدند، جهت معرفی برای ما فرستاد. با مشاهده تصاویر و مطالعه کتب، آنها را خیلی نزدیک با زندگی و فرهنگ مردم افغانستان یافتیم، ولی چون هرگز نام نویسنده را قبلاً نشنیده بودم، نخست تصور کردم که شاید موصوف هندی، پاکستانی و یا هم عرب باشد. ولی با خواندن پشت جلد یکی از کتابها دانستم که ادریس شاه نویسنده افغان است. باور کنید اول بخاطر ناآگاهی خودم و دوم بخاطر بی توجهی سایر هموطنانم به یک هموطن اندیشمند و متفکر ایشان متاثر شدم. نگاشته حاضر به هدف نقد و بررسی آثار نویسنده محترم ادریس شاه تحریر نشده است، بلکه نتیجه تحقیق و بررسی شتابزده ای در باب زندگی، و آفرینش های اوست تا باشد که بدین وسیله روزنه آشنایی او را با سایر هموطنانش بگشایم و هم از زیر بار خجلت رهایی یافته باشیم. تحقیق، بررسی کامل، نقد فنی و تکنیکی و معرفی بایسته زندگی و آثار ارزشمند این نویسنده توانمند را به اهل خبره و اندیشمندان مسوول و با صلاحیت عرصه فرهنگ و ادبیات کشورم میگذارم.

هژبر شینواری

۶ جنوری ۲۰۰۴، ۱۳۸۲، کاناڈا

سالهای قبل در اوایل قرن بیستم میلادی نوجوانی در شهر ادنبرگ در کشور انگلستان می کوشید تا رازها و رمزهای درمان تن های دردمند را بیاموزد. او سید اقبال علی شاه نام داشت و فرزند امجد علی شاه مشهور به نقشبندی پغمانی بود. سید اقبال هنوز تحصیل را تمام نکرده بود که با دوشیزه اسکاتلندی آشنا شد و این آشنایی به عشق پرشور و بالاخره به ازدواج انجامید. سید اقبال به افغانستان برگشت و در شهرک خوش آب و هوای پغمان در قلعه پدرش مسکن گزید. قبل از آغاز جنگ اول جهانی سید اقبال علی شاه با خانمش به هندوستان رفت و در شهر سلمه رحل اقامت افکند. در همانجا بود که فرزندش سید ادریس شاه به تاریخ ۱۶ جون ۱۹۲۴ میلادی به دنیا آمد. سید ادریس از نخستین روزهای زندگی با دو فرهنگ غنی و بارور در تماس بود. مادرش با محبت او را با زبان و دستاورد های علمی و فرهنگی جهان غرب و پدرش با لطف او را با فرهنگ اصیل و باستانی شرق آشنا می ساخت. سید اقبال عشق به مردم و سرزمین افغان ها را به فرزندش منتقل ساخت. عشقی که تا آخرین لحظات زندگی با ادریس شاه باقی ماند و او با افتخار خودش را افغان و کشور مبدایش را افغانستان می دانست. سید اقبال آنچنانی که خود در فضای اشراقی و صوفیانه بزرگ شده بود، فرزندش را نیز از همان آوان کودکی با مولانا و اندیشه های عرفانی مشرق زمین آشنا ساخت.

ادریس شاه هنوز کودکی بیش نبود که با خانواده اش به انگلستان رفت و در شهر لندن اقامت نمود. زمانی که شانزده سال داشت، جنگ دوم جهانی آغاز گردید و شیار عمیقی در عاطفه و احساس جوان او باقی گذاشت. بعد از ختم جنگ دوم جهانی از سال ۱۳۴۵ الی ۱۳۵۵ شمسی ادریس شاه به سفرهایی در امریکای لاتین و عمداً کشورهای آسیایی پرداخت و در مورد زندگی و شیوه تفکر صوفیان و درویشان شرق مطالعات عمیقی را انجام داد. در این سفرها پدرش که خود زمانی در سال ۱۳۳۴ شمسی کتابی را بنام صوفیزم اسلامی نوشته بود، او را از هر لحاظ یاری و مساعدت کرد. بر اساس ره آورد همین سفرها و تحقیق در مورد صوفیزم و طریقت درویشان شرق ادریس شاه در سال ۱۹۵۶ میلادی نخستین کتابش را بنام «جادوی شرق» و در سال ۱۹۵۷ کتاب «کعبه مقصود» که در حقیقت سفرنامه او به کشور عربستان میباشد، را نوشت. در جریان این سفرها بود که ادریس شاه با رندان و درویشان، با صوفی ها و عرفا درآمیخت، کشمکش بین دنیای عقل و دنیای عشق و معرفت قلبی را تجربه کرد و بر مسایل هستی و نیستی تأمل نمود و بالاخره بر دل روشن شده از نور حقیقت و عشق تکیه کرد و بناً زندگی و آفرینش های بعدی اش را بر اساس آن استوار نمود. مسجد و کنشت، دیو و بتخانه را جلوه گاه یک معشوق دانست.

ادریس شاه حاصل تفکرات و نتیجه گیری های ذهنی اش را با تراوش های فکری جهان غرب مقایسه نمود و کوشید تا دنیای غرب را با اندیشه های صوفیانه مشرق زمین آشنایی و آشتی بدهد. نه تنها او در طول زندگی هدمندش با آفرینش های خود در حقیقت نقش پلی بین فرهنگ مشرق زمین و جهان غرب را ایفا کرد، بلکه به سمبول واقعی و پیر و مرشد صوفیان در مغرب زمین مبدل گردید. طوری که میگویند او پیر و مرشد عصر در زمان خودش بوده است و همین اکنون به صدها هزار مرید و پیرو در سراسر جهان دارد. ادریس شاه در طول حیات پرثمرش بیش از سی و پنج عنوان کتاب و بیش از صد مقاله و تحقیق در زمینه صوفیزم به چاپ رسانیده است. همچنان کتابها و آثار زیادی از نویسندگان کلاسیک شرق را به زبان انگلیسی ترجمه و معرفی نموده است. کتاب هایش به بیش از دوازده زبان زنده دنیا ترجمه و بیش از پانزده میلیون کاپی آنها به فروش رسیده است.

ادریس شاه بر علاوه آثاری که در زمینه صوفیزم نوشته است، ده کتاب برای اطفال هم نگاشته است. او در این داستان ها کوشیده است تا با استفاده از تجربه و شناخت عمیقی که از زندگی مردمان مشرق زمین دارد، داستان هایی را بیافریند و یا انتخاب، ویرایش و ترجمه نماید که بصورت کامل بتوانند معرف زندگی و طرز تفکر شرق منجمله مردم افغانستان برای دنیای غرب باشد. او در کتاب «شیری که تصویر خودش را در آب دید» مستقیماً متأثر از اندیشه های عرفانی مولانا جلال الدین بلخی رومی میباشد که خیلی هنرمندانه بزبان ساده و قابل درک برای اطفال نگارش یافته است.

از آثار ارزشمند و پرفروش ادریس شاه برای اطفال بر علاوه «شیری که تصویر خودش را در آب دید»، «میتوان از «پسر بی نام»، «خروس مسخره»، «زن دهقان»، «مردی با عادات ناپسند»، «زن پیر و عقاب»، «پسر هوشیار و حیوان خطرناک»، «اسپ جادویی» و... را نام برد.

در سال ۱۹۷۸ میلادی حادثه تهاجم قوت های شوروی به افغانستان ذهن و روان ادریس شاه را سخت تکان داد و روح حساس و مهربان او را متأثر ساخت. او با عشقی که به افغانستان داشت، نتوانست دست بالای دست بگذارد و آرام بگیرد. به داخل افغانستان رفت و با مقاومتی که در داخل افغانستان تازه داشت شکل میگرفت، همسفر شد. در چند سفری که به داخل افغانستان داشت، زیان های بیشمار مادی و معنوی را که در اثر تعرض قوای روسی بر حریم افغانستان وارد شده بود، به چشم سر مشاهده کرد. ره آورد این سفرش رمان «قره قوش» بود. رمانی که در آن ماهیت ضد مردمی رژیم دست نشانده روس ها و ابعاد کامل تعرض شوروی بر افغانستان افشا شده بود. او در این رمان در مورد پیکار و رستاخیز مردم افغانستان که بخاطر دفاع از حریم مقدس کشور شان با اهریمن ظلم، ستم و استعمار در ستیز و نبرد قرار دارند، می نویسد و به شکل گسترده عمق فاجعه دردناک تهاجم شوروی را برای خواننده غربی مطرح و توضیح می نماید. ادریس شاه با رمان «قره قوش» برای نخستین بار در ادبیات داستانی غرب در مورد حماسه های مردم افغانستان در روزگاران معاصر نوشت. در زمانی که تعداد زیادی از مردم در اینسوی اقیانوس مقاومت مردم را

تلاشی ناکام در برابر یک ابرقدرت میدانستند، ادریس شاه کوشید تا ثابت نماید که مقاومت در برابر نیروهای متجاوز در افغانستان تلاش های انفرادی نبوده بلکه مبارزه گسترده ای است که مردم افغانستان در سراسر آن دیار در مقابل نیروهای بیگانه انجام میدهند. بدین ترتیب ادریس شاه افغانستان را در گستره ادبیات جهانی مطرح نموده، توجه مردم جهان را به کشور آبابی اش جلب نمود و مردم را به مساعدت و یاری هموطنانش در مبارزه برحق شان بر ضد اهریمن متجاوز فرا خواند.

سایر کتاب های مطرح و مشهور ادریس شاه عبارتند از:

«کاروان افغان»، «کتاب کتابها»، «صوفی ها»، «افسانه های ملا نصرالدین»، «شرق جادویی»، «کاروان خیال»، «فیل در تاریکی»، «افسانه های درویشان»، «طریقت صوفیان»، «دنیای صوفی ها»، «افسانه های جهان»، «حکمت احمق ها»، «طریقت طریقت ها» و ده ها عنوان کتاب و صدها عنوان مقاله و تحقیقات علمی...

سید ادریس شاه در طول زندگی بارور و هدفمندش مشاور چندین پادشاه و روسا جمهور کشورهای مختلف بوده است. فعالیت های ارزشمند و انسانی او مبین شخصیت والا و عاطفی اوست که با تمام قلبش به انسان احترام داشته و بخاطر سعادت انسان تلاش نموده است. از مشورت ها و رهنمایی های موصوف حتی در زمینه تجارت و علوم سیانس نیز استفاده شده است.

سید ادریس شاه در سال ۱۹۵۸ ازدواج کرد که ثمره آن یک پسر و دو دختر میباشد.

سید ادریس شاه بعد از عمری تلاش در جستجوی حقیقت در ۲۳ نوامبر ۱۹۹۶ داعی اجل را لبیک گفت و به حق پیوست.

روانش شاد و بهشت برین منزلتگه اش باد و درود مرخدایی را که بازگشت همه گان به سوی اوست.